

اعتراضات کارگری و چشم انداز آینده - بخش دوم

ستار رحمانی

شنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۰

در مقاله قبل به بخش هایی از مبارزات جنبش کارگری و اجتماعی پرداختم. در این مقاله سعی می کنم به یکی از سئوالاتی که در بخش پایانی مقاله قبل طرح کردم بپردازم.

طبقه کارگر خواهان انقلاب است، و شعار نان، کار، آزادی و ادره شورایی سر می هد. دشمنان خود را می شناسد و می داند که چه نمی خواهد، اما آیا اکثریت عظیم طبقه کارگران و فرودستان جامعه با اعتراضات وسیع خیابانی می دانند که چه می خواهند و چگونه باید آنرا بدست آورند؟

مبارزه کارگران از دهه هشتاد به بعد وارد فاز جدیدی شد. کارگران که با تحمیل فقر و فلاکت و سرکوب برنامه ریزی شده توسط رژیم برای کنترل اوضاع و جلوگیری از گسترش اعتراضات کارگری و اجتماعی در جدال مرگ و زندگی در گیر بودند، در اواخر دهه ۹۰ به تجربه در یافتند که تنها با اتحاد و در کف خیابان و محل کار است که می توانند به مطالبات خود دست یابند.

اگر مروری داشته باشیم به اعتصابات و اعتراضات کارگری در دهه ۹۰، می بینیم که در ابتدا این اعتراضات و اعتصابات و در مواردی برای حفظ آن چه که کارگران آن را با سال ها مبارزه بدست آورده اند می باشد، مبارزه علیه تعویق در پرداخت دستمزدها، اخراج ها، قراردادهای موقت و سفید امضاء، امنیت شغلی و محیط کار از جمله آن مطالبات تدافعی بوده است. اما مبارزه برای افزایش دستمزدها بر مبنای سبب معیشت و تورم واقعی و بالای خط فقر اعلام شده توسط فعالین کارگری، علیه سیاست های خصوصی سازی، تشکل مستقل از دولت و تمام ارگان های دولتی و احزاب وابسته به

دولت از جمله اعتراضاتی هستند که از طرف فعالین این جنبش در درون کارگران با روندی روز افزون در جریان است.

در میان کارگران هفت تپه نگاه هایی وجود دارد که کارگران دیگر را به آن چه که در قیل از خصوصی سازی داشتند رجوع می دهد و به روشنی خواهان برگشت به آنچه که داشته اند هستند، امنیت شغلی، مسکن، پرداخت به موقع دستمزدها، مطالباتی هستند که بطور نسبی و در مقایسه با شرایط موجود کم رنگتر بود، اما وجود داشت. مبارزه علیه خصوصی سازی یا خلع مالکیت از اسد بیگی ها، پایان دادن به قراردادهای موقت و برگشت بکار همکاران اخرابی، حق آبه، تبعیض در محیط کار و دستمزدهای معوقه، از زمان واگذاری شرکت به بخش خصوصی به مراتب شدت بیشتری یافته است و این امر در بسیاری از شرکت های خصوصی و دولتی دیگر هم در دو دهه اخیر شدت یافته است. اما در بین شعارها و پلاکارد های کارگران هفت تپه (همچنین معلمان و بازنشستگان)، مطالبه « واکسیناسیون عمومی، سریع و رایگان در مقابل کرونا» مطالبه بسیار بجایی که نگاهش فراتر از جمع خودی و به همه فرودستان جامعه که از کمترین امکانات مالی، رفاهی و بهداشتی برخوردارند، است.

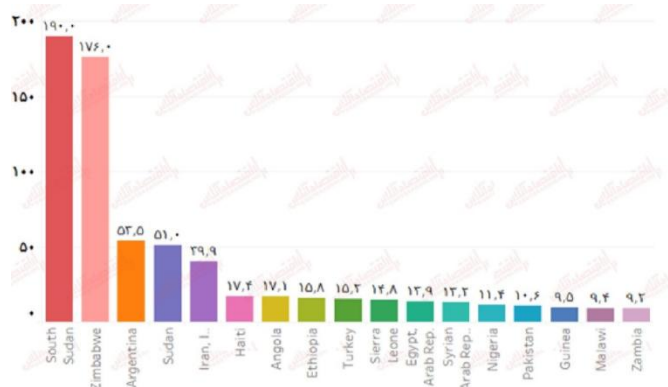
یکی از دلایلی که در شرکت هپکو تعدیل نیروی کار و تعویق دستمزد ها با سرعت زیاد عملی شد این است که مافیای دولتی ماشین آلاتی که این شرکت تولید می کند را با قیمتی ارزانتر از هزینه تولید این شرکت وارد بازار می کنند و در حقیقت این شرکت قادر به فروش فرآورده ای خود نیست. مافیای رژیم عملا در راستای در هم شکستن این صنایع همراه با کارگران معترض است بهمین دلیل با واردات فرآورده هایی با کیفیت اندکی بهتر و قیمت ارزانتر، این صنایع و کارگران آنها را زمین گیر کرده است. سرمایه ها به دنبال سرمایه گذاری های زود بازده مالی می روند، جایی که انحصار بازار را هم در کنترل خود دارند.

شرایط اقتصادی جهان هم که ایران حلقه ای از این زنجیره است دورنمای روشنی ندارد. برخی صنایع در حال بروز کردن تکنولوژی خود هستند و همین امر باعث تولید کالاهای بیشتر با کارگرانی به نسبت کمتر با سودهای بالا می شود. در ایران بروز شدن تکنولوژی در بخش صنایع سال ها است که به فراموشی سپرده شده است و قادر به رقابت با کشورهای که از تکنولوژی مدرن استفاده می کنند نیست. بیشتر صنایع با ظرفیت بسیار پایین، بین ۵۰ تا ۶۰ درصد کار می کنند، نتایج این شرایط، عدم امنیت شغلی، اخراج ها، عدم پرداخت به موقع دستمزدها علی رغم اینکه دستمزدها ۵ تا ۱۰ درصد از هزینه تولید را تشکیل می دهند است، با این حال رژیم اسلامی سرمایه دستمزدها را بسیار زیر خط فقر نگاه می دارد و ۹۷ درصد کارگران قرارداد موقت دارند.

«سهم بیست درصد افراد فقیر جمعیت ایران از درآمد کل در سال ۹۹ تنها ۵.۸ درصد بوده و این در حالیست که سهم بیست درصد ثروتمند جامعه از کل درآمد بالغ بر ۴۷ درصد برآورد شده است.»

به گزارش ایلنا، ۸ شهریور ماه ۱۴۰۰ «اخیراً گزارشی براساس داده‌هایی که تا پاییز ۹۹ در پایگاه اطلاعات رفاه ایرانیان جمع شده، بیرون آمده که نشان از گسترش شدید موج فقر و محرومیت در کشور دارد؛ در این گزارش حداقل ۴.۳۱ درصد از ایرانیان در پاییز ۹۹ زیر خط فقر بوده‌اند و این یعنی از جمعیت ۸۵ میلیون نفری ایران، ۲۶ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در محرومیت به سر می‌برند... که استان سیستان و بلوچستان با محرومیت ۶۲ درصدی جمعیت را رکورددار بدترین وضعیت معرفی می‌کند» بر اساس این گزارش از هر سه نفر، یکی واقعاً زیر خط فقر مطلق است

مطابق آمار صندوق بین‌المللی پول (IMF)، در کشور به‌گونه‌ای سیاست‌گذاری شده است که در بین ۱۳۰ کشوری که تورمشان گزارش می‌شود، ایران جزو ۶ کشور اول در دهه گذشته است. این به معنای فاجعه اقتصادی، فاجعه سیاست‌گذاری و فاجعه حکمرانی اقتصادی است.



بر اساس گزارش سازمان جهانی کار ILO در شرایط کرونا نزدیک به 1.6 میلیارد کارگران غیر رسمی و آسیب پذیرترین بخش جامعه در سطح جهان در خطر از دست دادن شغل شان هستند. در ایران اما به گزارش اینسنا مرکز آمار ایران اعلام کرد «در سال ۱۳۹۹، به میزان ۴۱،۳ درصد جمعیت ۱۵ ساله و بیش تر از نظر اقتصادی فعال بوده اند که تعداد آنها، برابر با ۲۳ میلیون و ۲۶۳ هزار نفر بوده، ۹،۶ درصد از جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، بیکار بوده اند» و پیش بینی شده است که تا 6 میلیون نفر دیگر در اثر بسته شدن، ورشکستگی و فقدان بازار و مواد اولیه شغل خود را از دست بدهند.

مجموعه این شرایط طبقه کارگر ایران را در مبارزه برای افزایش دستمزدها، کاهش ساعات کار و شرایط بهتر محیط کار را تضعیف می کند، اما نمی تواند مبارزه کارگران را محاق ببرد بلکه باعث می شود که کارگران به اعتراضات سیاسی روی بیاورند. شعار نان، کار، آزادی و اداره شورایی که توسط برخی از فعالین کارگری در محیط های کار مطرح شده است گرچه مطالبه همه بخش های کارگری نیست اما مرحله ورود کارگران به سطح کسب قدرت سیاسی است. اینکه تحقق این شعار در مرحله کنونی تا چه اندازه واقع بینانه است خود نیاز به بررسی جداگانه دارد.

اعتراضات و اعتصابات کارگران در مقایسه با اوایل دهه ۹۰ هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی گسترده تر شده است. تعداد کل اعتراض و اعتصاب در سال ۹۹ با ۵۰٪ افزایش نسبت به سال ۹۸ را داشت.

تعداد اعتصاب و اعتراض	کارگران به تفکیک شغل	تعداد اعتصاب کارگران در
1435	کارگران بنگاه‌های صنعتی و خدماتی	بر اساس
136	معلمان	سالانه
82	کارکنان مراکز درمانی و بهداشتی	المللی در
262	کارگران بازنشسته	کارگران در
1915	جمع	

و اعتراض
سال ۹۹
گزارش
اتحادیه
حمایت از
ایران «سال

۱۳۹۸ نیز همچون سال‌های پیش با اعتراضات پر شمار کارگری سپری شد. در طول این سال در

مجموع 1259 اعتراض کارگری روی داد، یعنی به طور متوسط سه و نیم اعتراض در هر روز. با این حال تعداد اعتراض‌ها، در مقایسه با سال 97 که 1700 مورد اعتراض در آن رخ داد و با این رکورد «سال اعتراضات کارگری» نام گرفته بود، 25 درصد کاهش داشت. اما علت این کاهش به هیچ رو بهبود شرایط کار و زندگی کارگران نیست. برعکس، طبقه کارگر در ایران یکی از سخت‌ترین سال‌ها از لحاظ شرایط کار و زندگی را از سر گذراند»

«تعداد اعتراضات کارگری در سال 1395 نسبت به سال 94 و همچنین نسبت به سال 93 بطور چشم گیری افزایش یافت. در طول این سال، کارگران در 653 مرکز تولیدی و خدماتی به اشکال مختلف برای کسب مطالبات خود دست به اعتراض زدند. این رقم نسبت به سال 94 که شاهد اعتراض کارگران در 515 واحد بودیم نشان دهنده افزایش حدود 27 درصدی اعتراضات کارگری است.»

در سال ۱۳۹۹ علیرغ اینکه اعتصابات و اعتراضات کارگری روندی نزولی را داشت اما در ایران این مسئله کاملاً برعکس بود یعنی تعداد اعتصاب و اعتراض روندی رو به افزایش را نشان می دهد.

اعتراضات اجتماعی هم در این سال افزایش یافت. بررسی علل افزایش اعتصابات و اعتراضات کارگری و اجتماعی در محدوده این نوشته نیست اما در شرایط اسفبار کرونا، گرچه در بسیاری از کشورهای جهان دولت بسته های حمایتی هم برای مزدبگیران و هم برای سرمایه های کوچک، متوسط و کلان داشتند، اما فرودستان جامعه در ایران از هیچ حمایت مالی از طرف دولت برخوردار نبودند. بنا بر این برای کارگران سال ۹۹ جدال مرگ و زندگی بود. نرفتن بر سر کار گرسنگی و خطر مرگ داشت و هم نرفتن بر سرکار با خطر مرگ بر اثر کرونا را داشت و دارد.

تشکل های کارگری در محیط کار و محلات

در فقدان شفافیت حاکمان در اعلام تعداد قربانیان کرونا و فراهم نمودن شرایط مناسب برای جلوگیری از شیوع کرونا، فراهم نمودن وسایل بهداشتی مکفی، کمک رسانی و پاسخ به نیازهای مردم، فعالین کارگری، معلمان، پرستاران و فعالین کودکان و فعالین محیط زیست و مدنی در همه شهرها به فکر ایجاد کمیته هایی در دفاع از فرودستان جامعه در برابر ویروس مرگ بار کرونا شدند.

ادامه گسترش فسادهای مالی، کشتار آبان 98، دروغ پراکنی در مورد هواپیمای اوکراینی، بحران فزاینده اقتصادی، بیکاری فزاینده، دستمزدهای به شدت زیر فقر چشم انداز سیاهی را برای مردم رقم زده است. یعنی گرچه رژیم کرونا را فرصتی برای به فراموش سپاری جنایت ها، کشتار و فساد ساختاری مالی دانسته، اما تمام شواهد نشان می دهد که این رژیم در پسا کرونا با جنبش های اجتماعی وسیعتر از دیماه 96 یا آبان 98 روبرو خواهد شد.

در شرایط حاکمیت رژیم به غایت سرکوبگر و ضد کارگری و ضد مردمی، با داشتن اتاق فکر های متعدد برای پس راندن و وابسته کردن تشکلات مستقل به یکی از بازوهای حاکمیت و ایجاد تشکلات به ظاهر کارگری با صرف بودجه های کلان، تشکلات مستقل زیر ضربات همه جانبه ای از سوی کلیت نظام اسلامی سرمایه قرار دارند.

تشکلات مستقل در محیط کار آنقدر سرکوب شده اند که ارتباط ارگانیک خود را، اگر نگوئیم کاملا از دست داده اند در خوش بینانه ترین حالت کم رنگتر در بین کارگران دارند.

تشکلات مستقل خارج از محیط کار هم عملا به آن استراتژی اولیه، که کمک به ایجاد تشکلات مستقل در محل کار و محلات است، نرسیدند.

تشکلات مستقل کارگری خارج از محیط کار پتانسیل ایجاد کمیته ها و شوراهای محلی را دارند و می توانند در درون تشکلات مستقل دیگر از جمله بارنشتگان، زنان، بخصوص زنان کارگر، کودکان

کار، محیط زیست، و جنبش های اعتراضی و ده های نمونه دیگر بطور فعال کارگران و خانواده آنها را با اهداف تشکلات محل کار آشنا سازند و پیوندی ارگانیکی بین این دو ایجاد کنند. کمیته های محلات در برخی شهرهای کردستان و جنوب ایران مدت ها است که در حال فعالیت هستند. برخی از فعالین کارگری و معلمان هم در شهریور ماه ۱۴۰۰ صندوقی را جهت حمایت و همبستگی با خانواده های فرودست دانش آموزان سیستان و بلوچستان درست کردند که مورد استقبال بسیاری از شهروندان داخل و خارج از ایران قرار گرفت. هدف از این تشکل مجازی تنها کمک رسانی مالی به خانواده های کودکان سیستان و بلوچستان برای خرید لوازم درسی و لباس و کیف نیست، مهمتر از آن این حرکت روحیه همبستگی را در بین فرودستان را ایجاد می کند.

تعدد تشکلات و نگرش متفاوت به مسائل جنبش کارگری می تواند پویایی و شکوفایی این دوگانه (تشکلات مستقل محیط کار و بیرون از محیط کار و در محلات) را گسترش دهد. اما در ایران این دوگانه تشکل ها به جان همدیگر افتاده اند و هرکدام وجود آن دیگری را انکار می کنند.

این تشکلات به جای نفی یکدیگر می توانند با همکاری هم در عرضه های مختلف بر کل جنبش اجتماعی و کارگری تاثیر گذار باشند و ارتباط ارگانیکی بین جنبش های اجتماعی با جنبش کارگری برقرار کنند. تنها در صورت توافق بر سر مشترکات بین همه بخش های جنبش کارگری و اجتماعی است که ما به آنچه که نمی خواهیم و می خواهیم می رسیم و شرایط را برای تقویت آلترناتیو کارگری¹ در راه کسب قدرت سیاسی فراهم خواهیم کرد.

¹ - در ایجاد و تقویت آلترناتیو کارگری برای کسب قدرت سیاسی فاکتورهای مهم دیگری هم دخیل هستند، اما من در این جا تنها به دو بخش تشکلات محیط کار و بیرون از محیط پرداخته ام.